

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمد شریف منصور

۲۳ جولای ۲۰۲۱



محمد شریف منصور

سیر تاریخی انهدام بت های بامیان

طی ۱۴۰۰ سال گذشته مجسمه های بامیان بارها در معرض آسیب های شدید قرار گرفتند با آن که انهدام قطعی آن ها تا سال ۲۰۰۱ به تعویق افتاد اما در طی قرن های گذشته آن ها همواره با خطر نابودی روبه رو بوده اند . در زمان جهانگشائی سپاه اسلام تندیس های بسیاری نابود شدند و یا جدا آسیب دیدند، من به دو مورد آن که بلانری در فتوح البلدان آورده است، اکتفاء می کنم :

«قتیبه اهل سمرقند را در حصار گرفت و بارها با یک دیگر تلاقی کرده بجنگیدند. پادشاه سغد نامه ای به ملک شاش که در طار بند مقیم بود نوشت و او با جمعی از جنگجویان خویش بیامد و مسلمانان با ایشان مقابله کردند و نبردی شدید در پیوستند. آنگاه قتیبه بر آنان تاخت و شکستشان داد . . . به قولی غوزک با قتیبه به هفتصد هزار درهم و سه روز پذیرائی از مسلمانان صلح کرد و بتخانه ها، آتشکده ها نیز جزء همین صلح بود پس بتها را برون آورده زیورهایشان را برگرفتند و آنها را آتش زدند . . هنگامی که قتیبه بتها را به دست خود آتش زد جماعتی از ایشان به اسلام گرویدند.»

(۱)

و :

«ابن سمره بر مناطق بین زرنج و کش از ناحیه هند چیره شد و در ناحیه راه رخج بر مناطقی که بین محل خود وی تا بلاد داور قرار داشت غلبه کرد و چون به بلاد داور رسید اهل آن را در کوه زور به محاصره گرفت و سپس با ایشان مصالحه کرد. شمار مسلمانانی که همراه وی بودند هشت هزار تن بود و هر یک از ایشان چهار هزار نصیبش شد. آنگاه سراغ زور رفت و آن بتی زرین با چشمانی از یاقوت بود. ابن سمره دست بت را برید و آن دو یاقوت را برگرفت

و به مرزبان گفت: زر و گوهر را بستان، من تنها می خواستم تو را آگاه کنم که بت نه زیانی می رساند و نه سودی. «
(۲)

طبعاً اعراب با وجود اشتیاق شدیدشان به نابود کردن بت ها با آن سلاح های ابتدائی شان توانائی نابود کردن تندیس ها را نداشته اند و تندیس های بامیان هم به همین خاطر از نابودی به وسیله اعراب نجات پیدا کردند .
در زمان یورش خانمان سوز چنگیز مغول به خراسان مناطق بسیاری با خاک یکسان شدند، شهر غلغله یکی از این مناطق بود .

مردم غلغله به شدت در برابر مغول های متجاوز ایستادگی کردند و در نبرد با مغول ها مواتوگان نوه چنگیز خان را کشتند ، مغول ها هم در مقابل تمام زنده جان های این شهر را از دم تیغ گذراندند و شهر را با خاک یکسان کردند . (۳)
البته مغول ها هم مانند اعراب قدرت و اسلحه ای که بتوانند تندیس ها را نابود کنند نداشتند .

بعضی ها با استناد به الفهرست نوشته اند که امیر یعقوب صفاری بنیان گذار سلسله صفاریان و فرمانروای بزرگ خراسان معبدی را در آنجا منهدم کرده و تندیس های معبد را به دربار خلافت فرستاده بود اما در الفهرست چنین مطلبی به چشم نمی خورد و این هم از آن اراجیفی است که در تاریخ نگاری افغانستان زیاد به آن برمی خوریم.
نویسنده الفهرست به صورت کوتاه نوشته که یعقوب لیث پس از فتح بامیان تعدادی از تندیس های آن را به بغداد فرستاد . (۴)

در الکامل ابن اثیر هم سخنی از انهدام معبد به میان نمی آید و او نوشته است که امیر یعقوب پس از فتح کابل هدایای گرانبهایی برای خلیفه فرستاد که در میان آنها تندیس هایی بود که از کابل و دیگر شهرها گرفته بود . (۵)
طبری هم در ضمن حوادث سال ۲۵۷ ه ق می نویسد :

در ربیع الاول همین سال فرستاده یعقوب بن لیث بیامد با بت هائی که می گفت آن را از کابل گرفته است . (۶)
در نوشته مسعودی هم سخنی از انهدام معبدها به میان نمی آید :

به سال دویست و هشتاد و سوم از جانب عمرو بن لیث هدیه ها رسید که از جمله یکصد اسب مهاری خراسانی بود با جمازه های بسیار و صندوق های فراوان و چهار میلیون درهم نقد ، باب روئین نیز همراه آن بود که به شکل زنی ساخته بودند و چهار دست داشت و دو حمایل نقره مرصع به جواهر سرخ و سپید بر آن آویخته بود و در مقابل این مجسمه بتان کوچک بود که دست و صورت داشت و زیور و جواهر بر آن بود ... و این به روز پنجشنبه چهارم ماه ربیع الآخر همان سال بود ... عمرو بن لیث این بت را از شهرهای هندوستان که گشوده بود و از کوهستان های مجاور بست و معبر و دیار دوار که اکنون به سال سیصد و سی و دو در بند است گرفته بود که اقوام مختلف شهری و بدوی آنجا هست ، شهریان مردم کابل و بامیان هستند که به دیار زابلستان و رنج پیوسته است. (۷)

همچنان می گویند که نادرشاه افشار شاهنشاه ایران این بت های نگون بخت را به توپ بسته اما برای این روایت منبعی ارائه نداده اند ، به روایت غبار بعدها همسر دوست محمد خان بارکزی کشف کرد که اندام خصوصی بت بامیان پوشیده نشده بنابر این فرمان داد تا آن را به توپ ببندند! (۸) می گویند اورنگ زیب پادشاه افراط گرای هندی هم این مجسمه ها را به توپ بسته بود . بنا به روایتی او توپ بزرگی ساخته بود و به فرمان او آن را به بامیان بردند تا روی تندیس بودا امتحان کنند! و به روایت دیگر او هنگام گذر از بامیان نگاهش به مجسمه ها می افتد و فرمان به توپ بستن آن ها را صادر می کند .

در دوران عبدالرحمن خان هم بامیان شاهد حملات سهمگینی بود و آثار باستانی آن آسیب دید و چنان که مردم بامیان گفته بودند یکی از همسران او هم تمایل خاصی به نابودی این تندیس ها داشت ، در دوران کوتاه سلطنت نادر هم به گواهی مردم محل تلاش هائی از سوی او و همسرش برای انهدام بودا انجام شد که موفقیت آمیز نبود . (۹)

با وجود تمام این ناملازمات تندیس ها با وجود آسیب هائی که دیده بودند هنوز پایرجا بودند تا این که دولت اسلامی افغانستان به رهبری رئیس دولت ربانی سقوط کرد و طالبان روی کار آمدند و تصمیم گرفتند تا این آثار گرانبهای تاریخی را نابود کنند .

در سال ۱۹۹۸ طالبان صورت یکی از تندیس ها را تراشیدند، پس از آن که حزب وحدت و حزب حرکت در ماه اپریل سال ۱۹۹۹ بامیان را از طالبان پس گرفتند حزب وحدت اعلام کرد که طالبان به یکی از تندیس ها آسیب شدیدی رسانده اند . (۱۰)

در ماه می همان سال طالبان دوباره بامیان را تصرف کردند و در سال ۲۰۰۱ آنها با سخت کوشی تمام مشغول تهیه لوازم نابودی تندیس ها شدند ، البته این تصمیم به طور آنی گرفته نشده بود بلکه طالبان از سالها قبل چنین برنامه ای داشتند . این کار با مخالفت گسترده کشورهای دیگر و سازمان های بین المللی مواجه شد ، کوفی عنان دبیر کل ملل متحد نماینده ویژه خود را به کابل و قندهار فرستاد و سعی کرد طالبان را قانع کند که از این کار خودداری کنند . دبیر کل سازمان یونسکو هم از سازمان کنفرانس اسلامی خواست که طالبان را متقاعد کند که از این تصمیم خود منصرف شوند حتی رئیس موزه متروپولیتن نیویورک به رهبران طالبان پیشنهاد کرد که به جای انهدام این آثار فرهنگی و تاریخی آنها را به موزه های کشورهای مختلف بفروشند اما طالبان نپذیرفتند . (۱۱)

در سال ۲۰۰۱ ملا عمر شخصاً فرمان نابودی تندیس ها را امضاء کرد و در ماه مارچ همان سال طالبان با کمک مهندسان خارجی تندیس های بودا را منهدم کردند .

در حال حاضر از آن دو تندیس گرانبها تنها دو حفره خالی به یادگار مانده است که آنها هم به خاطر آسیبی که در آن انفجارهای مهیب برداشته اند در معرض فروپاشی قرار دارند . اگرچه قرار است که تندیس های بامیان دوباره بازسازی شوند ولی صدها و شاید هم هزاران سال باید بگذرد تا این پیکره ها آن رونق نخستین را بازیابند البته به شرط آنکه ه بار دیگر ۱۶ مارچ تکرار نشود .

با وجود تلاش های کاوش گران از تندیس بودای خوابیده اثری دیده نمی شود، بعضی ها معتقدند که "ازدهای بامیان" همان بودای خوابیده است که با یادداشت های به جا مانده از گذشته تناقض های جدی و آشکاری دارد ، شاید این بت بزرگ طی قرن های گذشته نابود شده باشد شاید هم هنوز هست ولی از چشم ما دور مانده است و در آینده کاوش گران بتوانند از آن سرنخی پیدا کنند .

محمد شریف منصور

۱۴۰۰/۴/۲۸

منابع :

- ۱- فتوح البلدان ، ابوالحسن احمد بن یحیی بلاذری ، برگردان محمد توکل ، ص ۵۸۷
- ۲- همان ، ص ۵۴۹ و ۵۵۰
- ۳- جامع التواریخ ، رشید الدین فضل الله همدانی ، به تصحیح و حاشیه نویسی محمد روشن و مصطفی موسوی ، ج اول ص ۵۲۰

- ۴- الفهرست ، محمد بن اسحاق بن ندیم ، برگردان محمد رضا تجدد ، ص ۶۲۰
- ۵- تاریخ کامل، عزالدین ابن اثیر ، برگردان حمید رضا آژیر ، ج ۱۰ ص ۴۳۰۸
- ۶- تاریخ طبری ، محمد بن جریر طبری ، برگردان ابوالقاسم پاینده ، ج ۱۵ ، ص ۶۴۰۴
- ۷- مروج الذهب ، جلد دوم ، ۶۳۳
- ۸- افغانستان در مسیر تاریخ ، غلام محمد غبار ، ج اول ، ص ۲۱۲
- ۹- آثار عتیقه بودائی بامیان ، ص ۵۸ و پانویس
- ۱۰- روز شمار جنگ های داخلی از ظهور تا زوال طالبان ، الحاج محمد عظیم امینی ، ص ۲۵۶ و ۲۹۰
- ۱۱- بی بی سی فارسی ، جمعه ۱۱ مارچ ۲۰۰۵